

نقش حقوق بشر در واگرایی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‌ی اروپا

مجید عباسی dr.majidabbasi@gmail.com
استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۶

چکیده

حقوق بشر از جمله موضوعاتی است که از نقش حائز اهمیتی در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‌ی اروپا برخوردار است. بر اساس منشور اتحادیه‌ی اروپا، حقوق بشر سنگ بنای سیاست خارجی مشترک این اتحادیه محسوب می‌شود. در این راستا، اعضای اتحادیه‌ی اروپا همواره در مذاکرات سیاسی با مقامات ایرانی، از وضعیت حقوق بشر در ایران انتقاد کرده، خواستار بهبود این وضعیت شده‌اند. آنها مواردی نظیر اعدام، شلاق، سنگسار، عدم تساوی سهم‌الارث زنان با مردان، عدم احراز برخی مشاغل توسط زنان، نقض آزادی بیان و حقوق مطبوعات و مسائلی از این قبیل را مبنای دغدغه‌های حقوق بشری خود مطرح می‌نمایند، بدون اینکه به شرایط فرهنگی، تاریخی، مذهبی و سنتی ملت ایران توجه کنند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران بر این اعتقاد است که اجرای بسیاری از هنجارهای حقوق بشری؛ بسته به شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت است. برای مثال جمهوری اسلامی ایران مجازات قصاص را در راستای اجرای عدالت و حقوق بشر ارزیابی کرده و آن را نشأت گرفته از احکام قانونی اسلام می‌داند. وجود اختلافات نظری و بین‌الذهانی موجب شده که تاکنون دو طرف با چالشی به نام حقوق بشر در روابط دوجانبه مواجه باشند. اعضای اتحادیه‌ی اروپا بارها اقدام به انتشار بیانیه‌ها و اعلامیه‌های مختلف و سخنرانی در مجامع بین‌المللی علیه وضعیت حقوق بشر در ایران کرده‌اند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز با ابزارهای مختلف نظیر گفتگوهای حقوق بشری با اروپاییان جهت رفع سوء تفاهمات و پاسخگویی به اعلامیه‌های اتحادیه‌ی اروپا تلاش کرده است تا عامل

حقوق بشر را در واگرایی روابط دو طرف تضعیف کند. در این پژوهش نقش عامل حقوق بشر در واگرایی سیاسی اتحادیه‌ی اروپا و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، سیاست خارجی، واگرایی، فرهنگ، هویت.

مقدمه

شاید برای بسیاری از اندیشمندان در شرایط فعلی و با توجه به ذهنیت و سابقه‌ای که از کشورهای اروپایی (و یا به شکل کلی‌تر از غرب) دارند، به سختی قابل پذیرش باشد که اعضای اتحادیه‌ی اروپا، که برخی از آنها از استعمارگران قدیم هستند، در دوران کنونی جهان برای ارتباطات اقتصادی و سیاسی خود با سایر کشورها، پیش‌شرط‌های انسانی و حقوق بشری را مطرح می‌نمایند. اما واقعیت این است که مباحثی چون حقوق بشر و دموکراسی برای ایجاد و تعمیق هرگونه رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی با اتحادیه‌ی اروپا در حال حاضر دارای اهمیت بالایی است. عملکرد اعضای اتحادیه‌ی اروپا نیز حاکی از تأیید این موضوع است. در حقیقت علیرغم رفتارهای متناقض در عملکرد گذشته و حال اتحادیه‌ی اروپا، اعضای این اتحادیه اکنون ندای حقوق بشر و دموکراسی را سر داده‌اند. آنها یکی از پیش‌شرط‌های اصلی توسعه‌ی روابط با کشورهایی نظیر ایران را رعایت ضوابط و استانداردهای حقوق بشری قرار داده و در مذاکرات دیپلماتیک و در مجامع بین‌المللی به انتقاد از آن می‌پردازند. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اروپایی، حقوق اقلیت‌ها و به‌ویژه مسلمانان نقض می‌شود و آزادی بیان در مواردی نظیر اظهار نظر در خصوص هولوکاست ممنوع است. در این شرایط؛ اتحادیه‌ی اروپا، مسأله‌ی حقوق بشر را به عاملی سیاسی برای فشار بر برخی کشورها قرار داده است.

در این پژوهش، ضمن مطالعه‌ی نظام اروپایی حقوق بشر، جایگاه حقوق بشر در سیاست خارجی مشترک اتحادیه‌ی اروپا، رابطه‌ی فرهنگ، هویت و حقوق بشر در روابط بین‌الملل و نقش حقوق بشر در چالش سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‌ی اروپا و نیز جایگاه حقوق بشر در روابط میان اتحادیه‌ی اروپا و جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بررسی خواهد شد تا جایگاه حقوق بشر در واگرایی سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا و ایران در قبال یکدیگر تبیین گردد و به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که: «حقوق بشر چه نقشی در واگرایی سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا و جمهوری اسلامی ایران

دارد؟»

الف) رابطه‌ی فرهنگ، هویت و حقوق بشر در روابط بین‌الملل

در خصوص جهانی شدن ارزش‌های حقوق بشر، دو رهیافت کلان وجود دارد؛ نخست آن دسته از ارزشهایی که مبنا و منشأ واحدی دارند و به اعتبار فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، متفاوت نخواهند بود. عشق و علاقه به چنین ارزش‌هایی و کراهت از عمل برضد آنها، کاملاً بدیهی و طبیعی است. موضوع حرمت قتل، منع شکنجه، منع برده‌داری و تبعیض نژادی، مصونیت از تعرض و تجاوز، حق زندگی در امنیت، برخورداری از یک نظام قضایی عادلانه و مسائلی از این قبیل، در زمره‌ی ارزش‌های عام و فرافرنهنگی حقوق بشر هستند که مورد اقبال و تأکید و ترویج تمامی فرهنگ‌ها بوده و خواهد بود و می‌توان گفت در تمامی ادوار تاریخ بشری نیز مورد نظر پیامبران، مصلحان و روشنگران بوده است. در حوزه‌ی ارزش‌های عام که به تعبیر مکتب حقوق طبیعی^۱، با طبیعت بشری^۲ سر و کار دارد، هیچ مناقشه و جدالی نیست (صفایی، ۱۳۷۹: ۵۲۹).

در حقیقت تا زمانی که تقدّم حیثیت ذاتی انسان مورد نظر اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر با ارزش‌های عام موافق طبع انسانی سر و کار دارد، مناقشه و جدال میان فرهنگ‌ها معنایی ندارد و تقریباً فرآیند جهانی بودن حقوق بشر بدون هیچ تنشی در روابط بین‌الملل صورت می‌پذیرد. ولی مشکل در حیطه و حوزه‌ی ارزش‌های خاص حقوق بشر است. ارزش‌های خاص؛ آن دسته از رهیافت‌ها، نگرش‌ها و طرز تلقی‌هایی هستند که در جوامع مختلف، متفاوت هستند. بحث و مجادله‌ی حقوق بشر میان اندیشمندان نیز در این حوزه وجود دارد. به عبارت بهتر می‌توان گفت در موضوع حقوق بشر اجماع فرهنگی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم فرهنگی یکپارچه و جهانی در هنجارهای حقوق بشری مشاهده کنیم، چرا که باورهای فرهنگی و هویتی از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر متفاوت است.

به نظر می‌رسد در رابطه میان حقوق بشر و فرهنگ در روابط بین‌الملل، باید به نکات زیر

توجه داشت:

* تفاوت‌های فرهنگی،

* میان‌فرهنگی بودن حقوق بشر،

* نسبیّت‌گرایی حقوق بشر،

* قواعد بنیادین حقوق بشر که جهانی بوده و در همه‌ی فرهنگ‌ها مشترک است.

1. Natural Law

2. Human Nature

در این رابطه نظریه‌ی نسبیّت‌گرایی فرهنگی در مقابل نظریه‌ی جهانی بودن حقوق بشر قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه جهان‌گرایان به جهانی بودن تمامی هنجارهای حقوق بشر، فارغ از فرهنگ‌های مختلف، تأکید می‌کنند و نسبیّت‌گرایان نیز هنجارهای حقوق بشر را در قالب تفاوت‌های فرهنگی تعریف می‌نمایند. به نظر می‌رسد تلفیقی از این دو رویافت بتواند در شناخت علل واگرایی سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا در حوزه‌ی حقوق بشر در رابطه با جمهوری اسلامی ایران مفید باشد. لذا در ادامه این دو دیدگاه را در ارتباط میان فرهنگ و هویت و حقوق بشر مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- نسبیّت‌گرایی فرهنگی

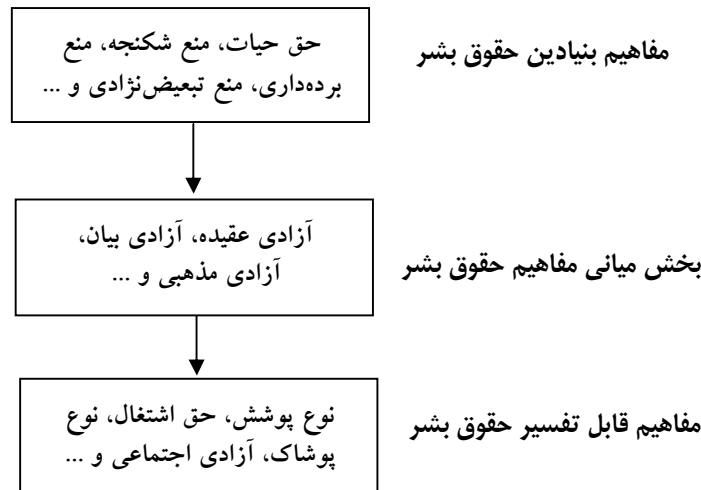
مفهوم نسبیّت‌گرایی فرهنگی بر وجود مذاهب، سنت‌ها، فرهنگ‌ها و فلسفه‌هایی متفاوت در جوامع مختلف در خصوص حقوق بشر مبتنی است. طرفداران این نظریه بر این اعتقادند که حقوق بشر وابسته به چارچوب فرهنگی جوامع است. واژه‌ی فرهنگ در این مفهوم به طور بسیار موسع مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بسیاری از موارد از آداب سنتی و رویه‌های عرفی و مذهبی جوامع فراتر می‌رود و ایدئولوژی‌های سیاسی را نیز در برمی‌گیرد (پارسا، ۱۳۸۰: ۵۹). هسته‌ی اصلی نسبیّت‌گرایی فرهنگی را احترام متقابل به تفاوت‌های فرهنگی تشکیل می‌دهد. نسبیّت‌گرایان فرهنگی استدلال می‌کنند که عوامل خارجی نباید درباره‌ی قواعد اخلاقی و نهادهای اجتماعی دیگر جوامع به داوری بنشینند و محکوم شدن یک فرهنگ توسط اعضای جامعه‌ی دیگر را فی‌نفسه باطل می‌دانند. از دیدگاه آنها، منشور بین‌المللی حقوق بشر و ادعای جهانی بودن آن، نمایان‌گر امپریالیسم فرهنگی غرب و تمایل آن به جهانی پنداشتن اعتقادات و ارزشهای خود و در نتیجه تلاش برای جهانی کردن آن است. افزون بر این، نسبیّت‌گرایان معتقدند که جنبش جهانی نمودن هنجارهای حقوق بشر، تنوع فرهنگ‌ها را از میان می‌برد و فقط در حکم گشودن مسیر دیگری برای یکدست نمودن فرهنگ‌ها در جهان مدرن است (همان: ۶۰). در حقیقت دیدگاه نسبی‌گرایان در مقابل دیدگاه جهان‌گرایان در خصوص بررسی هنجارهای حقوق بشر و رابطه‌ی آن با فرهنگ قرار می‌گیرد. زیرا جهان‌گرایان (که نگرش اعضای اتحادیه‌ی اروپا در قالب این نظریه جای می‌گیرد)، بر این اعتقادند که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشری دارای ویژگی جهان‌شمولی هستند. آنها قواعدی عام و فراگیر را ارائه می‌دهند که ریشه در مفهوم حیثیت و کرامت انسانی دارد و همه‌ی افراد

بشر و همه‌ی جوامع را دربرمی‌گیرد. این در حالی است (که نسبت گرایان فرهنگی که دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران نیز در این قالب قابل تفسیر است)، بر این اعتقادند که اصول و موازن حقوق بشری را باید بر اساس نسبی‌گرایی فرهنگی و متفاوت از یک جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر مورد ارزیابی و مطالعه قرار دارد.

۲- تلفیق دیدگاه‌های جهان‌گرایی و نسبت‌گرایی فرهنگی حقوق بشر

تلفیق‌گرایان، جهان‌گرایی و نسبت‌گرایی افراطی را رد می‌کنند. آنها معتقدند که بین این دو نهایت، دو موضع نسبت‌گرایی نیرومند^۱ و نسبت‌گرایی ضعیف^۲ قرار می‌گیرند. بر پایه‌ی مفهوم نخست؛ حقوق بشر تا حدّ زیادی توسط فرهنگ و دیگر شرایط اجتماعی مشخص می‌گردد، ولی بر اساس مفهوم دوم؛ اولویت با حقوق بشر جهانی است، اما اجرای آن به تفاوت‌های فرهنگی بستگی دارد. از دیدگاه آنها به سختی می‌توان استدلال‌هایی قابل دفاع در جهان معاصر تصور کرد که حق حیات، آزادی، امنیت فردی، منع بردگی، تبعیض نژادی و شکنجه را مجاز دارد. علاوه بر آن حقوقی نظیر تأمین اجتماعی، اشتغال، حق خوراک و پوشاک، تحصیل و بهداشت نیز تصویری معقول به لحاظ انسانی هستند. آنها سلسله‌مراتبی متشکل از سه طبقه برای اجازه دادن به نسبت‌گرایی در ماهیت حقوق بشر تعیین می‌کنند. در رأس این سلسله مراتب، مفاهیم بنیادین حقوق بشر نظیر حق حیات، منع شکنجه، منع برده‌داری، منع تبعیض نژادی و نظایر آن قرار می‌گیرند. در بخش میانی، حقوقی نظیر آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی مذهب و امثالهم قرار دارند و در رده‌ی پایین‌تر، حقوقی نظیر نوع پوشش، برخورداری از حق تحصیل، خوراک، پوشاک و غیره قرار دارند که کاملاً توسط فرهنگ‌ها قابل تبیین و تفسیر است. (Donnelly, 1992: 259).

1. Strong Relativism
2. Weak Relativism



در این راستا به نظر می‌رسد اتحادیه‌ی اروپایی و جمهوری اسلامی ایران در مفاهیم بنیادین حقوق بشر اختلافی با یکدیگر ندارند. اما در دیگر مفاهیمی که از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر متفاوت است و به ویژگیهای فرهنگی، تاریخی، هویتی، مذهبی و ایدئولوژیک ارتباط دارد با یکدیگر دچار اختلاف نظر هستند. برای نمونه در این باره می‌توان به مغایرت برخی مجازات‌های اسلامی با قواعد حقوقی بشری اشاره کرد. در این باره از دیدگاه قواعد حقوق بشری، مجازات قصاص اعدام در کشورهای اسلامی و از جمله جمهوری اسلامی ایران، پذیرفته شده نیست و یا اینکه از دیدگاه اتحادیه‌ی اروپایی اجرای حدّ شلاق در کشورهای اسلامی به مثابه شکنجه تلقی می‌گردد، در حالی که مطابق قوانین اسلامی نیز شکنجه حرام و مغایر با حقوق انسانی است، اما شلاق زدن در مواردی معین نه تنها حرام نیست بلکه اجرای این حدود برای ایجاد نظم اجتماعی، امنیت مردم و مجازات مجرمین لازم دانسته شده است و به هیچ وجه اجرای این گونه حدود به مثابه شکنجه و نقض حقوق بشر محسوب نمی‌شود. به باور اکثر کشورهای اسلامی و از جمله جمهوری اسلامی ایران، مجازات‌های بدنی نظیر قطع عضو به معنای انجام مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز حقوق بشری نیست، بلکه اجرای مجازات و حدود الهی در مقابل مجرمان است، ولی کشورهای غربی و از جمله اعضای اتحادیه‌ی اروپا چنین نگرشی را نمی‌پذیرند. این تضادها در بسیاری موارد موجب ایجاد اختلاف‌های سیاسی میان طرفین شده و بر روابط آنها تأثیر منفی گذاشته است.

ب) ابزارهای اصلی حقوق بشر اتحادیه‌ی اروپا

«حقوق بشر سنگ بنای سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا است.» این نخستین جمله‌ی متنی است که در خصوص سیاست‌های کلی اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی حقوق بشر در سایت اینترنتی این اتحادیه نگاشته شده است. همچنین طبق ماده‌ی یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دولت‌های عضو باید حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این سند را در قبال تمام افراد تحت صلاحیت خود، تضمین نمایند (سادات اخوی و حسینی، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

در حقیقت از سال ۱۹۷۹ که نخستین دوره‌ی پارلمان اروپا آغاز به کار کرد، مسأله‌ی حقوق بشر به طور گسترده در گزارشات، قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و فعالیت‌های آن مطرح شده است. پارلمان اروپا حتی در مقاطعی با توجه به نگرانی‌های حقوق بشری، از تأیید موافقت‌نامه‌های زیادی که بین اتحادیه‌ی اروپا با کشورهای نظیر ترکیه، سوریه، مراکش و رژیم اسرائیل امضا شده بود، خودداری کرده است. در واقع، اصلی که بر طبق آن حقوق بشر باید فاکتور اصلی روابط خارجی اتحادیه‌ی اروپا باشد، مورد توجه اعضای آن قرار دارد. در این راستا در بیانیه‌ی وزیر امور خارجه اتحادیه‌ی اروپا در سال ۱۹۹۶ آمده است که: «با توجه به اینکه حقوق بشر یکی از پایه‌های اصلی همکاری اتحادیه‌ی اروپا است، رعایت آن وظیفه‌ی قانونی و مداوم جامعه‌ی جهانی و هر ملت است. بنابراین، اظهار نگرانی در مورد نقض این حقوق، نمی‌تواند به عنوان مداخله در امور داخلی یک دولت محسوب شود.» (European Bulletin, 1996). لذا پس از این بیانیه، شاهد هستیم که اتحادیه‌ی اروپا با صراحت بیشتری جهت ارتقای مداوم سطح حقوق بشر، در موافقت‌نامه‌های همکاری و اقتصادی با کشورهای در حال توسعه، بندهایی را نیز به حقوق بشر اختصاص داده است. چنانچه اتحادیه‌ی اروپا در قطعنامه‌ای تحت عنوان «حقوق بشر، دموکراسی و توسعه» به روشنی اعلام می‌دارد که: «اعضای اتحادیه‌ی اروپا، به صراحت رعایت حقوق بشر را به عنوان بخشی از روابط خویش با کشورهای در حال توسعه اعلام می‌کنند و بندهای مربوط به حقوق بشر در موافقت‌نامه‌های همکاری آتی قید خواهد شد.» (موسویان، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

۱- ادغام حقوق بشر و اصول دموکراتیک در اتحادیه‌ی اروپا

بر طبق نظریه‌ی اروپایی حقوق بشر، بسیاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، اندیشه‌ها و ایده‌هایی درباره‌ی ارزش ذاتی شأن و منزلت بشر ارائه کرده‌اند، اما این نظریه که «انسان‌ها دارای حقوقی هستند.» اختصاص به اروپایی‌ها دارد. این نظریه که در قرون وسطی ریشه دارد در قوانین تعداد

اندکی از کشورها در اوایل عصر مدرن (مانند لایحه‌ی حقوق مصوب ۱۷۹۱ ایالات متحده) گنجانیده شد. البته پیش از آن در سال ۱۷۸۹، انقلاب فرانسه دامنه‌ی حقوق بشر را با بیانیه‌ی «حقوق افراد و شهروندان» گسترش داد. مکاتب فکری و سیاستمداران در عصر انقلابی قرن هجدهم به شکلی محتاطانه تعریف افراد را با به رسمیت شناختن حقوق زنان توسعه دادند و از طریق مبارزه با تجارت برده (که بوسیله غیراروپایی‌ها انجام می‌شد)، در قرن نوزدهم مواضع خویش را مستحکم ساختند. این اقدام‌های مقدماتی زمینه را برای آغاز روند جهانی شدن حقوق بشر در دوره‌ی پس از ۱۹۴۵ فراهم ساخت (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

در اینجا ما شاهد شکل‌گیری مجموعه‌ی معاهدات و اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای درباره‌ی حقوق بشر و پیدایش سازمانهای غیردولتی از قبیل عفو بین‌الملل^۱ (که خود را وقف اجرای معاهدات و اعلامیه‌های حقوق بشری نموده‌اند) بوده‌ایم. علاوه بر آن، نهادهای بین‌المللی به مقوله‌ی پیشبرد حقوق بشر به عنوان بخشی از مسئولیت‌های‌شان نگریستند. تمامی این موارد به شکل‌گیری مجموعه‌ای تأثیرگذار از قوانین بین‌المللی و عرف دیپلماتیک منتهی گردیده که این مسأله به نوبه‌ی خود به گسترش و تعمیق هر چه بیشتر ایده‌ی حقوق بشر منجر شد. بدین ترتیب از آنجا که این حقوق منشأ اروپایی داشته، پی‌گیری و حمایت از آن به بخشی از دستور کار سیاست خارجی کشورهای اروپایی تبدیل شده است. به گونه‌ای که این کشورها رعایت و پایبندی به حقوق بشر را از سوی سایر کشورها ملاکی برای توسعه‌ی روابط تجاری و دیپلماتیک قرار داده‌اند (پیشین: ۱۱۷).

یکی از اقدامات آغازین شورای اروپا، تهیه و تنظیم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بود که در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در شهر «رم» ایتالیا به امضای کشورهای عضو رسید و از سال ۱۹۵۳ به مرحله‌ی اجرا درآمد (بیگدلی، ۱۳۷۹: ۲۵۷). کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخستین گام در اجرایی کردن مقررات اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است. در حقیقت دولت‌های اروپایی با تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هرچه زودتر حقوق انسانی اعلام شده در اعلامیه‌ی مذکور را در قالب قرارداد بین خود درآوردند و نشان دادند که حقوق بشر از جایگاه مهمی در این اتحادیه برخوردار است (عباسی اشلقی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

از زمان امضای معاهده‌ی رم، یکپارچگی اروپا مبتنی بر اصول جهانشمول آزادی و دموکراسی، احترام به حاکمیت قانون و حقوق بشر بوده است. اما با این حال چهار دهه پس از معاهده‌ی رم بود که اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی گنجاندن حقوق بشر و اصول مردم‌سالاری در

سیاست خارجی اقدام مهمی انجام داد و این موضوع با امضای معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا در نوامبر سال ۱۹۹۳ وارد مرحله‌ی اجرایی شد. معاهده‌ی مذکور؛ توسعه و تحکیم مردم‌سالاری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی را هدف اصلی سیاست مشترک خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا قرار داده و تصریح نموده است که سیاست جامع اروپا در حوزه‌ی همکاری اقتصادی نیز باید به توسعه و تقویت مردم‌سالاری و حاکمیت قانون و نیز احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی کمک کند. افزون بر این، معاهده‌ی «آمستردام» که از اوّل می سال ۱۹۹۷ اجرایی شده است، سازوکاری را برای تحریم کشورهایی که مرتکب نقض جدی و مستمر حقوق بشر می‌شوند، توسط کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپایی برقرار کرده است. این سازوکار توسط معاهده‌ی «نیس»، که در دسامبر سال ۲۰۰۰ منعقد شد، بیش از پیش مستحکم گردید (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵).

روند ادغام حقوق بشر در سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا، با تصویب منشور حقوق اساسی اتحادیه‌ی اروپا در نشست «نیس» در تاریخ ۹ دسامبر سال ۲۰۰۲ وارد مرحله‌ی اساسی‌تری گردید. این منشور برای نخستین بار در تاریخ اتحادیه‌ی اروپا و در یک متن واحد، انواع حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان اروپایی و تمامی افراد ساکن در اتحادیه اروپا را تعیین کرد. همچنین هرگونه اقدام کمیسیون اروپا در زمینه‌ی روابط خارجی با توجه به حقوق و اصول مذکور در منشور، انجام می‌شود (دهقانی، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

اتحادیه‌ی اروپا به منظور پیشبرد اهداف حقوق بشر و روند مردم‌سالاری در روابط خارجی، از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند. برخی از این ابزارها همان ابزارهای دیپلماسی و سیاست خارجی مانند اعلامیه‌ها، اقدامات سیاسی و نیز قطعنامه‌ها و مداخلات در چارچوب سازمان ملل متحد است. علاوه بر این، اتحادیه‌ی اروپا از طریق برنامه‌های مختلف همکاری و کمک که در کشورهای ثالث اجرا می‌کند و از طریق گفتگوی سیاسی که با آنها انجام می‌دهد، به پیشبرد حقوق بشر و روند دموکراسی می‌پردازد. برای این کار اتحادیه‌ی اروپا از مبنای حقوقی خاصی پیروی می‌کند که به نام «بند حقوق بشر» شناخته می‌شود و تقریباً در تمامی موافقت‌نامه‌های اتحادیه‌ی اروپا با کشورهای ثالث، به عنوان یکی از شرطها و مؤلفه‌های اساسی گنجانده می‌شود. اتحادیه‌ی اروپا دارای ابزارهای متنوعی برای توسعه‌ی حقوق بشر در کشورهای ثالث است. این ابزارها شامل شش رهنمود اتحادیه‌ی اروپا در رابطه با حقوق بشر است که از سال ۱۹۹۸ به بعد تصویب شده‌اند و عبارتند از:

اول- رهنمودهای معطوف به مسائلی مانند مجازات مرگ (مصوب سال ۱۹۹۸)؛
 دوّم- رهنمودهای اتحادیه‌ی اروپا در مورد گفتگوهای حقوق بشری (مصوب سال ۲۰۰۱)؛
 سوّم- رهنمودهای اتحادیه‌ی اروپا در مورد شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (مصوب سال ۲۰۰۱)؛
 چهارم- رهنمودهای اتحادیه‌ی اروپا در مورد کودکان و درگیری‌های مسلحانه (مصوب سال ۲۰۰۳)؛
 پنجم- رهنمودهای اتحادیه‌ی اروپا در مورد مدافعین حقوق بشر (مصوب سال ۲۰۰۴)؛
 ششم- رهنمودهای اتحادیه‌ی اروپا در مورد پیشبرد قانون بشردوستانه بین‌المللی (مصوب سال ۲۰۰۵).

(Promotion of Human Rights and Democratization in the European Union's External Relation, <http://www.ec.europa.eu>)

۲ - گفتگوها و مشورت‌های مربوط به حقوق بشر

برخورد با حقوق بشر در محدوده‌ی گفتگوهای سیاسی که اتحادیه‌ی اروپا با کشورهای ثالث یا گروه‌های منطقه‌ای در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک انجام می‌دهد، صورت می‌گیرد. به علاوه، اتحادیه‌ی اروپا در گیر گفتگوهای ویژه‌ی حقوق بشر با برخی کشورها بوده است. برای نمونه گفتگوهای حقوق بشر با چین با ساختار کاملاً مشخصی در سطح مقامات ارشد و منحصرأ در مورد حقوق بشر صورت می‌گیرد. در مورد برخی دیگر از کشورها نظیر ایران گفتگوهای حقوق بشر در چارچوب موافقت‌نامه‌هایی که با آن کشورها منعقد کرده است یا در قالب گفتگوهای سیاسی انجام می‌شود.

از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران تاکنون در گفتگوهای سیاسی میان دو طرف، حقوق بشر از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ و متأثر از شرایط انقلابی ایران و جنگ تحمیلی هشت ساله؛ دو طرف از یکدیگر انتقادهایی مطرح می‌نمودند. جامعه‌ی اروپا از شرایط نخستین سالهای انقلاب اسلامی، که به دستگیری تعدادی از ضدانقلابیون و اعدام تعدادی از آنها انجامید، انتقاد داشت. در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز در طول جنگ از کمک کشورهای اروپایی به رژیم صدام و عدم محکومیت اقدامات این رژیم در شکنجه‌ی اسرای ایرانی، بمباران مناطق غیرنظامی و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و میکروبی انتقاد

داشت. در این دوران اوج نگرانی‌های اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی وضعیت حقوق بشر در ایران را می‌توان در زمینه‌ی آزادی بیان، اعدام و نیز مسأله‌ی سلمان رشدی مشاهده کرد. صدور فتوای تاریخی توسط حضرت امام خمینی (ره)، در مهدورالدم بودن سلمان رشدی نویسنده‌ی کتاب آیات شیطانی باعث گردید تا اروپا مسأله‌ی حقوق بشر را پررنگ‌تر از گذشته در کنار سایر انتقادات خود نسبت به ایران مطرح کند. این بار مسأله‌ی نقض حقوق بشر نه به عنوان نقض حقوق شهروندان ایرانی بلکه به عنوان عاملی که می‌تواند تأثیرات بین‌المللی داشته باشد، مطرح گردید.

از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ و بدنبال فروکش کردن احساسات مسلمانان و مردم ایران جهت قتل سلمان رشدی و روی کار آمدن دولت سازندگی در ایران، هفت دور گفتگوهای انتقادی در سطح معاونین وزیر امور خارجه برگزار گردید که در تمامی این گفتگوها حقوق بشر یکی از موضوعات مهم مطرحه بود. با انتخاب آقای سیدمحمد خاتمی به ریاست جمهوری (که با استقبال اتحادیه‌ی اروپا مواجه شد) و تبدیل گفتگوهای انتقادی به گفتگوهای سازنده و فراگیر، اروپایی‌ها به طور صریح، گسترش هرچه بیشتر روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا را به رعایت هرچه بیشتر حقوق بشر و تلاش در جهت دموکراتیک کردن ایران مشروط کردند.

این در حالی بود که یکی از اولویت‌های کاری دولت ایران در طی دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی مسأله‌ی حقوق بشر بود و طرح آن تا پایان ریاست جمهوری ایشان بر سیاست‌ها و مساعی ایران غالب شده بود. جمهوری اسلامی ایران با اعتقاد راسخ به اهمیت گفتمان به عنوان مؤثرترین طریق تعامل، نه تنها به تقویت زیربنای مردم سالاری و حقوق بشر خود پرداخت، بلکه گفتگو و همکاری در زمینه‌ی حقوق بشر را نیز با مشارکت سازمان‌ها و سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر ایجاد کرد. از جمله این موارد آغاز همکاری گفتمان حقوق بشر با اتحادیه‌ی اروپا بوده است (دانش‌یزدی و دیگران، ۲۰۰۳: ۷).

به طور کلی، هدف گفتگوهای حقوق بشری کسب اطلاعات مربوط به وضعیت حقوق بشر در کشور مورد نظر، نشان دادن نگرانی اتحادیه‌ی اروپا نسبت به سابقه‌ی حقوق بشر آن کشور و تعیین اقدامات عملی برای بهبود آن، به خصوص از طریق پروژه‌های همکاری، بحث در مورد مسائل مورد علاقه‌ی دو طرف و تقویت همکاری در رابطه با حقوق بشر است. علاوه بر این، طی گفتگوهای حقوق بشری می‌توان مشکلاتی را که ممکن است منجر به چالش میان دو طرف گردد، شناسایی کرد.

پ) نقش حقوق بشر در چالش سیاسی میان اتحادیه‌ی اروپا و جمهوری اسلامی ایران چنانچه اشاره شد، رعایت حقوق بشر در کشورهای دیگر نظیر جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از موضوعات مورد توجه اتحادیه‌ی اروپا در جریان گفتگوهای انتقادی و گفتگوهای فراگیر و سازنده بوده است. در این باره در گزارشی که کمیسیون اروپا در تاریخ ۷ فوریه سال ۲۰۰۱ در خصوص تنظیم روابط اتحادیه‌ی اروپا با جمهوری اسلامی ایران منتشر کرد، آمده است: «اتحادیه‌ی اروپا برای توسعه‌ی مناسبات با ایران هم دلایل سیاسی و هم دلایل اقتصادی دارد. در کنار دلایل سیاسی و اقتصادی دارای دغدغه‌های حقوق بشری نیز می‌باشد، زیرا بر این اعتقاد است که ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر به ایران کمک خواهد کرد تا شریک باثبات‌تری در منطقه برای اتحادیه‌ی اروپا باشد.» (Van de pas, 2002: 42).

ورود حقوق بشر به حوزه‌ی روابط خارجی ایران و اتحادیه‌ی اروپا به طور خاص از زمان آغاز گفتگوهای انتقادی بوده است. گفتگوهای انتقادی مؤلفه‌ی حقوق بشر را به صورت جزئی از سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا در قبال ایران درآورد. «ژاک شیراک» رئیس جمهور سابق فرانسه در این زمینه می‌گوید: «گفتگوی انتقادی آنچنان که در روابط طبیعی اروپا با دیگر کشورها انجام می‌پذیرد، گفتگویی باز و دوستانه نیست. بلکه گفتگویی محدود و سازمان‌یافته است که عمدتاً در قالب حقوق بشر تمرکز یافته است و لزوماً همواره خوشایند نیست. هر چند که توانایی گفتگو با ایران را حفظ می‌کند.» (Simon, 1998: 5).

هدف اروپا از روند گفتگوهای انتقادی این بود که به تهران بفهماند، اتحادیه‌ی اروپا سیاست‌های حقوق بشری ایران را تحمل نمی‌کند (Law, 1993: 3). تا قبل از دهه‌ی ۱۹۹۰، حقوق بشر نقش کم‌رنگی در روابط خارجی اتحادیه‌ی اروپا داشت و می‌توان گفت که از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ بود که یک سیاست حقوق بشری هماهنگ در اتحادیه‌ی اروپا به ظهور رسید. اصلی که بر طبق آن حقوق بشر باید معیار اصلی روابط خارجی اتحادیه‌ی اروپا باشد. زیرا پس از انعقاد معاهده‌ی ماستریخت در سال ۱۹۹۳ و مطابق «سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا»^۱ اهداف این اتحادیه عبارت است از: «حفظ صلح و تقویت امنیت بین‌المللی، ارتقای سطح همکاری‌های بین‌المللی، توسعه و تحکیم دموکراسی و حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی».

در این رابطه اتحادیه‌ی اروپا علاوه بر انتقاد مستمر از وضعیت حقوق بشر در ایران، از نقشی فعال در تنظیم و تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده

1. European Common Foreign and Security Policy (ECFSP)

است. با مطالعه‌ی رفتار اتحادیه‌ی اروپا در خصوص مسائل حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، می‌توان آنها را در دو بخش کلی دسته‌بندی کرد:

اول- نقض مواد قانونی و لزوم الحاق جمهوری اسلامی ایران به همه کنوانسیون‌های حقوق بشر؛

دوم- ضعف و یا عدم اجرای کامل برخی از موازین بین‌المللی حقوق بشر.

در مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران، این دو بخش به طور همزمان مورد توجه اتحادیه‌ی اروپا بوده است. البته نظر به تفاوت‌ها و بعضاً تعارضات ماهوی در جهان‌بینی و انسان‌شناسی تفکر و فلسفه‌ی اسلامی با تفکر و فلسفه‌ی غربی، باید تفاوت‌های موجود بین سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر با قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک واقعیت مورد پذیرش قرار دهیم. با توجه به عواملی چون تفاوت‌های فلسفی، جهان‌بینی، فرهنگی، هویتی و ایدئولوژیک، اهمّ موضوعاتی که موجب چالش سیاسی میان طرفین در مورد حقوق بشر شده است، عبارتند از:

۱- تبعیض قانونی و عملی نسبت به زنان

اتحادیه‌ی اروپا، قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران را درباره‌ی حقوق زنان، تبعیض‌آمیز دانسته و بر رفع کاستی‌های اجرایی این قوانین تأکید می‌کند. آنچه اتحادیه‌ی اروپا به عنوان نقض حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند در قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر^۱ علیه جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تأکید قرار می‌گرفت. به عنوان مثال در بند دوّم پیش‌نویس قطعنامه‌ی پیشنهادی اتحادیه‌ی اروپا به کمیسیون حقوق بشر در اجلاس پنجاه و ششم، تبعیض علیه زنان در قانون و در عمل و رد شدن لایحه مربوط به بالا بردن سن ازدواج دختران مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین آقای کاپیتورن گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر ایران، در گزارش مکتوب سال ۲۰۰۲ خود به کمیسیون حقوق بشر در مورد وضعیت زنان آورده است: «وضعیت زنان فقط در این حد که درخواست‌های زنان و طرفداران آنها آشکارا مطرح می‌شود، بهبود یافته است. قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز همچنان وجود دارد و تلاش‌های قوه‌ی مقننه برای تغییر این وضع از سوی نخبگان محافظه‌کار متوقف می‌شود.» (یاری، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

در خصوص حمایت از حقوق زنان، اتحادیه‌ی اروپا به طور مستمر الحاق جمهوری اسلامی ایران به «کنوانسیون منع تبعیض نسبت به زنان» را خواستار است. نظر به اختلافات موجود بین مقررات این کنوانسیون و قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، در صورت الحاق به این کنوانسیون، طبق

۱. این کمیسیون در سال ۲۰۰۵ به شورای حقوق بشر تغییر نام داد.

ماده ۲، دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف خواهد بود تا برخی قوانین موضوعه‌ی خود را اصلاح یا تغییر دهد (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۳۹-۳۸۹)، که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

* عدم تساوی زن و مرد در اجرای قصاص: طبق ماده ۲۰۹ و ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی، اگر مردی، عمداً زنی را به قتل برساند، در صورتی قصاص می‌شود که اولیای مقتوله، نصف دیه‌ی مرد را به او پردازد. در حالی که اگر زنی عمداً مردی را به قتل برساند، بدون قید قصاص می‌شود.

* عدم تساوی دیه‌ی زن و مرد: طبق ماده‌ی ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی، دیه‌ی قتل زن مسلمان، خواه عمدی خواه غیرعمدی، نصف دیه‌ی مرد مسلمان است.

* عدم تساوی سهم‌الارث زن و مرد: طبق مفاد مواد ۸۰۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۶، ۹۰۷ و ۹۲۰ قانون مدنی، زن نصف مرد ارث می‌برد. طبق ماده‌ی ۹۴۶ قانون مدنی، شوهر از تمام اموال زوجه‌ی متوفای خود ارث می‌برد، در حالی که زن فقط از اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار باقیمانده از شوهر خود نه عین آنها، ارث می‌برد.

* حق ازدواج: طبق ماده‌ی ۱۰۴۳ قانون مدنی، دختر باکره هر چند به حد بلوغ و رشد رسیده باشد و در امور مالی و سایر امور مربوطه دارای اهلیت کامل باشد، برای ازدواج باید اجازه‌ی پدر یا جد پدری خود را بگیرد.

* ولایت بر کودک: بر اساس ماده‌ی ۱۱۸۰ قانون مدنی، ولایت بر کودک با پدر و جد پدری است و مادر ولایت ندارد.

* حضانت (نگهداری) فرزندان: ماده‌ی ۱۱۶۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در نگهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت، پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا هفت سالگی حضانت آنها با مادر خواهد بود.» این حق که مادر برای حضانت خود دارد، در صورت ازدواج مجدد وی، بر طبق ماده‌ی ۱۱۷۰ قانون مدنی از بین می‌رود و به پدر می‌رسد.

* عدم تساوی در احراز برخی مناصب و مشاغل: بر طبق اصول یکصد و هفتم تا یکصد و نهم قانون اساسی ایران که نحوه‌ی انتخاب، شرایط و صفات رهبری را مشخص می‌کند و اصل یکصد و پانزدهم که می‌گوید: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب شود...» زنان حق احراز مقام رهبری و ریاست جمهوری را ندارند (شریفیان، ۱۳۸۰: ۴۵۴). بر اساس ماده واحده‌ی قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۴ که می‌گوید: «قضات از میان مردان واجد شرایط انتخاب می‌شوند.» زنان نمی‌توانند منصب قضات را احراز کنند.

البته طبق ماده‌ی واحده قانون اصلاح تبصره‌ی ۵ قانون الحاق پنج تبصره به شرایط انتخاب قضات، مصوبه‌ی ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی «رئیس قوه‌ی قضاییه می‌تواند بانوانی را هم که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۴ هستند، با پایه‌ی قضایی جهت تصدی پست‌های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره‌ی سرپرستی صغار و مستشاری اداره‌ی حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام کند.» ولی شغل قضاوت به معنای خاص برای آنها تاکنون مجاز نشده است (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۷۲).

* ریاست خانواده و انتخاب محل سکونت: طبق ماده‌ی ۱۱۰۵ قانون مدنی، در روابط زوجین، ریاست خانواده با شوهر است. تعیین مسکن مشترک نیز طبق ماده‌ی ۱۱۱۴ قانون مدنی با شوهر است، البته در این جا می‌توان در ضمن عقد شرط کرد که اختیار منزل با زن باشد.

* فسخ نکاح: در مورد فسخ نکاح، مرد از اختیارات بیشتری برخوردار است. طبق مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۳ قانون مدنی، برخی عیوبی که به طور طبیعی در زن و مرد مشترک است مانند جذام، برص، زمین‌گیری و نابینایی، اگر در زن وجود داشته باشد، مرد حق فسخ نکاح را دارد، ولی اگر در مرد موجود باشد، زن حق فسخ نکاح را ندارد.

* حق طلاق: ماده‌ی ۱۱۲۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.» هر چند دائمی بودن این ماده با وضع قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب آبان ماه ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز طبق ماده‌ی ۱۱۳۰ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند.» از بین رفته است ولی باید پذیرفت که اختیارات مرد در ارتباط با حق طلاق بیشتر از زن است.

* تعدد زوجات: مفاد اصل ۹۴۲ قانون مدنی بر تعدد زوجات دلالت دارد. این ماده مقرر می‌دارد: «در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه، که تعلق به زوجه دارد، بین همه‌ی آنها بالسویه تقسیم می‌شود.»

۲- شکنجه و مجازات‌های خشن

اتحادیه‌ی اروپا خواهان آنچه منع شکنجه خوانده می‌شود و توقف اجرای برخی مجازات‌هایی است که از نظر قوانین جمهوری اسلامی ایران مجاز شناخته شده‌اند، در حالی که کنوانسیون‌های

بین‌المللی حقوق بشر و کنوانسیون‌های اروپایی حقوق بشر آنها را خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز می‌دانند. اعمال شکنجه و مجازات‌های خشن از جمله سنگسار در بند ۴ قطعنامه‌ی پیشنهادی اتحادیه‌ی اروپا به اجلاس ۵۶ کمیسیون حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است (یاری، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

منع شکنجه در اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت مورد تأکید قرار گرفته، ولی برخی مواد «قانون مجازات اسلامی» مجازات‌هایی از قبیل سنگسار، شلاق، قطع دست و پا و انگشتان را در مقام قصاص مجاز دانسته است. به عنوان مثال، ماده‌ی ۸۳ قانون مجازات اسلامی، حد زنا‌ی مرد محصن و زنا‌ی زن محصنه را رجم (سنگسار) دانسته است. ماده‌ی ۸۸ همین قانون مقرر می‌دارد: «حدّ زنا‌ی زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند، صد تازیانه است.» ماده‌ی ۱۹۰ یکی از حدود محاربه و افساد فی‌الارض را، اول قطع دست راست و سپس پای چپ ذکر می‌کند. ماده‌ی ۲۰۱ حدّ سرقت را در مرتبه‌ی اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به‌طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند. در مرتبه‌ی دوم قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.

ماده‌ی ۲۶۹ تا ۲۹۳ مجازات اسلامی که در خصوص قصاص عضو است نیز در معرض انتقادات مربوط به مجازات‌های خشن قرار دارد.

۳- آزادی بیان، وضعیت مطبوعات، روشنفکران و فعالان سیاسی

بند ۵ قطعنامه‌ی پیشنهادی اتحادیه‌ی اروپا به اجلاس ۵۶ کمیسیون حقوق بشر از بدتر شدن وضعیت آزادی بیان، به خصوص حمله به آزادی مطبوعات و زندانی کردن روزنامه‌نگاران، روشنفکران، فعالان سیاسی، اعضای نهضت آزادی و گروه‌های ملی - مذهبی ابراز نگرانی کرده است. بند ۶ قطعنامه از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته است احترام به آزادی بیان را تضمین کند و هرچه زودتر قانون مناسبی به منظور جلوگیری از مجازات کسانی که در مقام اعمال آزادی‌های سیاسی خود برمی‌آیند تصویب کند.

۴- حقوق اقلیت‌ها

نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی از همان سال‌های نخستین استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شد. در سال ۱۹۸۰ در قطعنامه‌ی «کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و ارتقای حقوق

بشر» از وضعیت حقوق بشری فرقه‌های عقیدتی ابراز نگرانی شده و در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ این اتهام به صورت پررنگ‌تر مطرح و از دبیرکل سازمان ملل خواسته شد در این زمینه با دولت ایران تماس برقرار کند و با تعیین و اعزام نماینده‌ی ویژه، چگونگی امور را روشن کند. در ارتباط با مسئله‌ی اقلیت‌ها، علاوه بر طرح مسائل مربوط به اقلیت‌های دینی یهودی، مسیحی و زرتشتی و اقلیت‌های غیررسمی، به اقلیت‌های قومی و نژادی نیز توجه کرده و ترک‌ها و کردها را به عنوان یک اقلیت قومی زبانی بزرگ که گاه برخی حقوقشان رعایت نمی‌شود، مورد بحث قرار می‌دهند (پیشین: ۱۵۰).

۵- حقوق کودک

اجرای توصیه‌های کنوانسیون حقوق کودک و نیز عدم اجرای مجازات اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال موضوعاتی است که در ارتباط با حقوق کودکان مورد تأکید قرار گرفته است.

ت) حقوق بشر و واگرایی سیاسی اتحادیه‌ی اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران

در همان سال‌های اولیه‌ی استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، موضوع حقوق بشر در ایران، صدور قطعنامه و تعیین نماینده‌ی ویژه در دستور کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار گرفت. در این فرآیند غالباً کشورهای اروپایی نقش معترض، مدعی و یا حامی صدور قطعنامه را علیه ایران بازی می‌کردند. به عنوان مثال در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ یعنی کمتر از یک‌ماه پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، سفیر فرانسه در اجلاس شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به نمایندگی از ۹ کشور عضو جامعه‌ی اقتصادی اروپا، ابراز تأسف دولت‌های عضو این جامعه را از اعدام‌های انجام شده در ایران مطرح ساخته و لزوم التزام ایران به رعایت استانداردهای حقوق بشری را عنوان می‌دارد (عبدخدایی، ۱۳۸۹: ۸).

در این راستا، طی سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ قطعنامه‌هایی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران صادر شد که حاکی از ابراز نگرانی در این مورد بودند. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که طی آن مقرر شد نماینده‌ای ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین گردد. این قطعنامه با اظهار تأسف از امتناع دولت جمهوری اسلامی ایران از پذیرش هیئتی که دبیرکل تعیین کرده بود و تشویق دولت ایران به همکاری با کمیسیون حقوق بشر، نگرانی خود

را از ادامه‌ی نقض جدی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ایران، که در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد منعکس شده بود، ابراز و به‌ویژه نگرانی خود را از اعدام‌های عجولانه و خودسرانه، شکنجه، بازداشت بدون محاکمه، نابردباری مذهبی و فقدان تأمینات لازم برای یک محاکمه‌ی عادلانه اظهار می‌داشت. قطعنامه‌ی مزبور همچنین از رئیس کمیسیون می‌خواست که پس از مشورت، نماینده‌ی ویژه‌ای را تعیین کند که وظیفه‌اش برقراری ارتباط با دولت جمهوری اسلامی ایران و انجام دادن مطالعه‌ی کامل در مورد وضعیت حقوق بشر در کشور، بر مبنای اطلاعات واصله، از جمله نظرها و توضیحات ایران، و جمع‌بندی و ارائه‌ی پیشنهادهای مناسب به کمیسیون باشد. متقابلاً از دولت جمهوری اسلامی ایران نیز خواسته شد که همکاری خود را با نماینده‌ی ویژه‌ی کمیسیون گسترش دهد. این فرایند پایه‌گذار روندی بود که از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۲ همه‌ساله در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تکرار شد و تنها مفاد این قطعنامه‌ها با اندکی تعدیل به مناسبت وقایع و حوادث جدید تغییر یافته و ارائه می‌شد. نکته‌ی مهم این است که در تمام این موارد، اتحادیه‌ی اروپایی نقش مهمی را در شکل‌دهی به فضای بین‌المللی علیه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن تیرگی روابط ایران با خود را بر عهده داشت. ضمن اینکه در آن مقطع، حمایت‌های غرب از صدام در طول جنگ نیز از جمله علل تیرگی و سردی روابط ایران با اروپا بود. با این وجود، نگرانی اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی وضعیت حقوق بشر در ایران در این سال‌ها تنها وقتی شکلی کاملاً علنی و حالتی خصمانه به خود گرفت که مسأله‌ی سلمان رشدی و آزادی بیان در ایران مطرح گردید. صدور فتوای ارتداد سلمان رشدی توسط حضرت امام خمینی (ره) باعث شد اروپا که تا آن مقطع مسأله‌ی حقوق بشر را فقط بعنوان اهرمی در کنار سایر انتقادات خود نسبت به ایران مطرح می‌ساخت، این بار آن را با اهمیت بیشتری و برجسته‌تر در روابط خود با ایران مدنظر قرار دهد و به مسأله‌ی موارد اتهامی نقض حقوق بشر، به‌عنوان عاملی که می‌تواند تأثیرات بین‌المللی داشته باشد بنگرد. لذا این اتحادیه در یک اقدام هماهنگ سفرای خود را در سال ۱۹۸۹ از تهران فراخواند و تلاش بی‌وقفه‌ای را برای لغو این حکم و صدور قطعنامه‌ها و بیانیه‌های مختلف در مجامع بین‌المللی آغاز نمود. بدین ترتیب حداقل تماس‌های اروپا با ایران در طول این سال‌ها به طور موقت قطع گردید (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷).

مقامات اتحادیه‌ی اروپا در رابطه با نقش حقوق بشر در سیاست خارجی این اتحادیه در قبال جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی از مقامات سابق کمیسیون و شورای

اتحادیه‌ی اروپا نظیر «کریس پاتن» و «خاویر سولانا» ضمن انتقاد از وضعیت حقوق بشر در ایران و اذعان به روند رو به رشد وضعیت حقوق بشری در این کشور، بر این عقیده‌اند که ملاحظات حقوق بشری نمی‌تواند نشان دهنده‌ی وجود مانعی لاینحل در گسترش روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا باشد. این مانع را می‌توان از طریق گفتگو و حل و فصل سوء تفاهم‌های دوجانبه رفع نمود و به گسترش روابط سیاسی و اقتصادی پرداخت. این در حالی است که مقامات برخی کشورهای با نفوذ در اتحادیه‌ی اروپا نظیر انگلستان، فرانسه، هلند و برخی از کشورهای شمال اروپا بر ارتقای موقعیت حقوق بشر در ایران و ضرورت پیوند ملاحظات حقوق بشری با موضوعات سیاسی و اقتصادی تأکید دارند (اسکندریان، ۱۳۸۳: ۶۵). در این رابطه، تأکید پارلمان اتحادیه اروپا بر ضرورت اعمال فشار بر کشورهای نظیر ایران جهت احترام به هنجارهای بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر، بسیار حائز اهمیت است. این نهاد اروپایی از تمامی اختیارات خود در این زمینه استفاده نموده و تصویب موافقت‌نامه تجارت و همکاری^۱ با ایران را منوط به بهبود وضعیت حقوق بشر می‌داند. برای نمونه این نهاد در ماه نوامبر سال ۲۰۰۴ طی اعلامیه‌ای، ضمن تشویق کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا در محکوم کردن ایران در نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، تأکید نمود تا زمانی که شاهد بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران نباشد، از تصویب موافقت‌نامه‌ی تجارت و همکاری با ایران سرباز خواهد زد (<http://www.europe.eu.int/28/November/2004>).

این سیاست اتحادیه‌ی اروپا کم‌وبیش در سالهای اخیر به طور سازمان یافته ادامه داشته است و بند مربوط به حقوق بشر در موافقت‌نامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با دیگر کشورها منظور شده است. در این رابطه پارلمان اروپا در نوامبر سال ۲۰۰۱ و در زمان سفر آقای کمال خرازی وزیر امور خارجه‌ی وقت جمهوری اسلامی ایران به بروکسل قطعنامه‌ای صادر کرد که به موجب آن، کمیسیون اروپا مأمور گردید تا هرگونه قرارداد تجاری و همکاری با ایران را شامل ماده‌ای در باب حقوق بشر نماید و هیچ قراردادی نمی‌تواند به مرحله‌ی اجرا درآید مگر اینکه به تصویب پارلمان اروپا برسد. در این قطعنامه مسائلی از جمله آزادی بیان، حق دفاع برای متهمان، حذف مجازات‌های خشن، حذف خشونت، اصلاح نظام زندان‌ها و تبعیضات مختلف مورد بحث قرار گرفته‌اند (خبیری، ۱۳۸۳: ۵۸).

همچنین کمیسیون اروپایی در گزارش فوریه‌ی سال ۲۰۰۱ خود، به طور واضح خواستار همکاری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک شریک با ثبات‌تر در منطقه‌ی خاورمیانه برای

1. Trade and Cooperation Agreement (TCA)

اتحادیه‌ی اروپا شده و ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر را لازمه‌ی این امر دانسته است. این گزارش که از جمله مفصل‌ترین گزارش‌های اتحادیه‌ی اروپا در سالهای گذشته نسبت به همکاری با جمهوری اسلامی ایران است، جنبه‌های متعددی را در برمی‌گیرد که از مهم‌ترین آنها توجه به حقوق بشر است. در این گزارش آمده است که: «ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر، به ایران کمک خواهد کرد تا شریک مطمئن تری برای اتحادیه در منطقه باشد. در شرایط و احوال مناسب، توسعه‌ی روابط نزدیک‌تر بین اتحادیه‌ی اروپا و ایران می‌تواند به پیشبرد روند اصلاحات در ایران و ثبات بیشتر و بهتر در منطقه کمک کند. ایران اعلام کرده که حاضر است راجع به حقوق بشر گفتگو کند و این نشانه‌ای مثبت است، زیرا هر نوع روابط قراردادی آینده با ایران، بحث راجع به موضوعات حقوق بشری را نیز شامل خواهد شد

(Report of European Commission to the European Council and European Parliament, 7 February, 2001).

در حقیقت اتحادیه‌ی اروپایی معتقد است که اگرچه طی سالهای اخیر ایران تغییرات مثبتی را بوجود آورده، ولی سابقه‌ی حقوق بشری این کشور هنوز موجب نگرانی است. بنابراین اتحادیه‌ی اروپا باید به عنوان بخشی از تلاش خود برای توسعه‌ی روابط نزدیک‌تر با ایران، در گفتگوهای منظم با این کشور، موضوع حقوق بشر را نیز مطرح نماید.

در این رابطه در ماه اکتبر سال ۲۰۰۲ و به دنبال بررسی‌های انجام گرفته، اتحادیه‌ی اروپا تصمیم گرفت تا بر اساس معیارهای مورد نظر و بر مبنای الگو قرار دادن نحوه‌ی مذاکرات با چین، مذاکرات حقوق بشری را با ایران آغاز نماید. توافق طرفین بر این بود که مذاکرات مطابق ملاحظات طرفین و بدون هرگونه پیش‌شرطی آغاز گردد. از دیدگاه اتحادیه‌ی اروپا این گفتگوها موجب ارتقای همکاری ایران با مجامع بین‌المللی، شفافیت و دسترسی هرچه بیشتر به روند تحولات حقوق بشری در ایران و در نهایت بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران بویژه در رابطه با زندانیان خواهد شد (Belen, 2004: 18). از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نیز آغاز گفتگوها به معنای توقف صدور قطعنامه در کمیته‌ی سوم مجمع عمومی ملل متحد در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بود. لذا بر اساس علائق دو طرف، گفتگوهای دوجانبه با محوریت حقوق بشر از دسامبر سال ۲۰۰۲ آغاز گردید. گفتگوها به‌طور عمده به شکل میزگرد بوده و در هیئت ایرانی، نمایندگان از قوه‌ی مقننه و قضائیه، دانشگاهها، کارشناسان و اعضای نهادهای مدنی حقوق بشری حضور داشته‌اند و در مورد مباحث حقوق بشری به گفتگو و مذاکره پرداخته‌اند.

لازم به ذکر است که از دیدگاه برخی تحلیل‌گران ایرانی و اروپایی، توجه اتحادیه‌ی اروپا به مسأله‌ی حقوق بشر در ایران، بیش از آنکه ناشی از نگرانی‌های حقوق بشری اتحادیه‌ی اروپا باشد، ابزاری سیاسی برای تحت فشار قرار دادن تهران است و در قیاس با دیگر موضوعات موجود در روابط فی‌مابین از اهمیت و اولویت برخوردار نیست. برای مثال «چارلز گرانت» کارشناس ارشد و تحلیل‌گر سیاست‌های اتحادیه‌ی اروپا می‌گوید:

«علی‌رغم اهمیت مسأله‌ی حقوق بشر برای اتحادیه‌ی اروپا، این مسأله در روابط با ایران دارای اولویت نیست و ساده‌تر آن است که ایران در موضوعات سیاست خارجی نظیر تروریسم، بنیادگرایی، برنامه‌ی هسته‌ای و همکاری در افغانستان و عراق، تحت تأثیر قرار گیرد.» (Ibid:20).

ولی با این همه، مطالعه‌ی شرایط و اوضاع حاکم بر سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران حاکی از تداوم عامل حقوق بشر در روابط طرفین است، خواه این عامل برای فشارهای سیاسی بر ایران مطرح شود و یا ناشی از دغدغه‌های واقعی اتحادیه‌ی اروپا باشد.

ث) نقش و جایگاه حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا پس از ۱۱ سپتامبر سال

۲۰۰۱

پارلمان اروپا قطعنامه‌های متعددی را درباره‌ی نقض حقوق بشر در ایران صادر کرده است. اگرچه این قطعنامه‌ها لازم‌الاجرا نیستند، اما بیانگر دیدگاه‌های نمایندگان عضو پارلمان اروپا هستند و از تأثیر بالایی بر افکار عمومی جهان برخوردارند. علاوه بر آن برخی کشورهای اروپایی نیز هر یک به طور جداگانه با انتشار گزارشی از وضعیت حقوق بشر در ایران انتقاد می‌کنند. برای مثال در گزارش وزارت امور خارجه‌ی انگلیس در اکتبر سال ۲۰۰۲ از توقیف نشریات در ایران، نبود آزادی بیان و زندانی شدن شماری از روزنامه‌نگاران، صدور حکم زندان برای تعدادی از فعالان ملی - مذهبی، صدور احکام سنگین برای شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین، بازداشت اکبر گنجی و نیز تعدادی از دانشجویانی که پس از حادثه‌ی ۱۸ تیر دستگیر شدند، انتقاد شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۷۹).

نخستین تلاش‌ها برای برقراری گفت‌وگو بین ایران و اروپا در زمینه‌ی حقوق بشر در طی ریاست کشور دانمارک بر اتحادیه‌ی اروپا صورت گرفت. در این مقطع روابط اتحادیه‌ی اروپا و ایران از نظر کیفی گام بزرگی به جلو برداشت. طرفین تصمیم گرفتند که مذاکراتی را جهت موافقتنامه‌ای به منظور همکاری‌های سیاسی برگزار کنند. به علاوه تصمیم بر آن شد که اتحادیه‌ی اروپا و ایران به

عنوان «جزء طبیعی و اصلی روابط تقویت شده» گفت‌وگو رسمی را در زمینه حقوق بشر ایجاد کنند. در این زمان به ابتکار دانمارک هیئت کارشناسی اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ‌های ۳۰ سپتامبر تا یکم اکتبر سال ۲۰۰۲ از ایران بازدید کرد.

منظور از این بازدید به گفته‌ی «لارس فابورگ آندرسن» رئیس دایره‌ی وزارت امور خارجه‌ی دانمارک، بررسی امکان ایجاد گفت‌وگو بین اتحادیه‌ی اروپا و ایران در زمینه حقوق بشر بود. به دنبال این بازدید، هیئت مزبور گزارش خود را ارائه نمود و توصیه کرد که گفت‌وگو حقوق بشر با ایران آغاز شود. در این گزارش همچنین توصیه شده بود که نمایندگان دولت، این گفت‌وگو را هدایت کنند، ولی شامل نمایندگان جامعه‌ی مدنی، نهادهای حقوق بشر، دادگاه‌ها و همچنین اساتید دانشگاه نیز باشد (Eu – Iran Human Rights Dialouge, 2006, <http://www.Humanrights.dk>).

بر مبنای این توصیه‌ها، شورای وزیران اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ‌های ۲۱ و ۲۲ اکتبر سال ۲۰۰۲ تصمیم گرفت که گفت‌وگو حقوق بشر را با ایران آغاز کند. اولین دور گفت‌وگو اتحادیه‌ی اروپا و ایران به دعوت دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ‌های ۱۶ و ۱۷ دسامبر سال ۲۰۰۲ در تهران انجام شد. همان‌طور که پیش‌بینی شده بود، هیأت‌های نمایندگی دو طرف هر یک متشکل از ۱۵ عضو و مرکب از کارشناسان، نمایندگان جامعه‌ی مدنی و همچنین مقام‌های دولتی بودند. دور دوم این گفت‌وگو بدنبال ریاست کشور یونان بر اتحادیه‌ی اروپا انجام شد. اتحادیه‌ی اروپا در این مقطع گفت‌وگو حقوق بشر، موافقتنامه‌ی بازرگانی و همکاری در زمینه‌ی «ضد تروریسم» را یک مجموعه‌ی کامل به شمار می‌آورد و انتظار داشت که روابط عمیق اقتصادی آن با ایران متناسب با پیشرفت‌های مشابهی در زمینه‌های دیگر روابط آن با ایران، از جمله حقوق بشر باشد (دانش‌یزدی، ۲۰۰۳: ۱۱).

سومین دور گفت‌وگوهای حقوق بشری ایران و اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ‌های ۸ و ۹ اکتبر سال ۲۰۰۳ در بروکسل و با موضوع آزادی بیان و دموکراسی برگزار شد. موفقیت‌های حاصل شده در این دور منجر به تشکیل دور چهارم گفت‌وگوها گردید. این دور از گفت‌وگوها (دور چهارم) که در ژوئن سال ۲۰۰۴ انجام شد، به نحوه‌ی اجرای عدالت در نظام قضائی و تقویت همکاری و همبستگی بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر توجه کرد.

گفت‌وگوها در زمانی صورت گرفت که چند ماهی بیشتر از برگزاری انتخابات مجلس هفتم نگذشته بود و هنوز بر سر نحوه‌ی برگزاری آن بحث و گفت‌وگو در مطبوعات جریان داشت. این موضوع؛ گفت‌وگوهای ایران و اتحادیه‌ی اروپا را تحت تأثیر قرار داد. در ادامه‌ی این روند،

صدور قطعنامه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران در ژوئن سال ۲۰۰۴ و موضع کشورهای اروپایی در مورد پرونده‌ی هسته‌ای ایران، باعث گردید تا مجلس شورای اسلامی و دولت جدید ایران نسبت به نحوه‌ی تعامل خود با کشورهای اروپایی تجدیدنظر و علی‌رغم درخواست‌های اتحادیه‌ی اروپا، گفت‌وگوهای حقوق بشری خود را با اروپا متوقف نمایند. اتحادیه اروپا همواره کوشیده است تا با فشارهای دیپلماتیک و بیانیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی که درباره‌ی وضعیت حقوق بشر در ایران منتشر نموده است، ایران را به میز مذاکره و گفت‌وگوها بازگرداند. به‌عنوان مثال در گزارش سالانه‌ای که اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ ۱۲ دسامبر سال ۲۰۰۵ در رابطه با وضعیت حقوق بشر منتشر کرده، وزیران امور خارجه‌ی اتحادیه‌ی اروپا از اینکه دولت ایران به خواست این اتحادیه برای ادامه‌ی گفت‌وگوهای حقوق بشری پاسخ منفی داده است ابراز تأسف کرده‌اند. اتحادیه‌ی اروپا به ایران هشدار داده است که «اگر ثابت نکند که به رعایت حقوق بشر متعهد است در آن صورت کشورهای اروپایی تلاش خواهند کرد که سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای جمهوری اسلامی را محکوم کند.» (<http://ec.europa.eu/12/12/2005>).

در کنار گفتگوهای حقوق بشری، اتحادیه‌ی اروپا به صورت هم‌زمان و برای فشار به جمهوری اسلامی ایران در رعایت هنجارها و قواعد حقوق بشری، قطعنامه‌هایی را نیز صادر نمود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- قطعنامه‌ی پارلمان اروپا پیرامون روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‌ی اروپا سال ۲۰۰۲ در این قطعنامه پارلمان اروپا با برشمردن دلایل مبتنی بر مصوبات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد؛ واکنش دولت مردان ایران در مورد وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و تروریسم و نیز ملاقات‌های صورت گرفته میان کمال خرازی، وزیر امور خارجه‌ی وقت ایران و مؤسسات اروپایی و تأکید بر مواد ۲۱ گانه‌ای از وقایع و رویدادهای صورت گرفته در ایران، مواضع و توصیه‌های خود را در ۳۰ بند به منظور مبنا قرار گرفتن برای آغاز دور جدیدی از مذاکرات و انعقاد موافقت‌نامه‌ی تجارت و همکاری متقابل با ایران اعلام کرده است. در اولین بند این قطعنامه، پارلمان اروپا ضمن اعلام تمایل به «تحکیم همکاری بین اتحادیه‌ی اروپا و ایران» بر پیشی گرفتن سیاستی با دو بخش تأکید کرده است: «از یک طرف گفت‌وگوی انتقادی، که وضعیت حقوق بشر، مسأله‌ی سلاح‌های هسته‌ای و مسأله ضرورت و مبرم بودن اصلاحات اقتصادی در ایران را مطرح می‌کند و از سوی دیگر شکل‌های همکاری در زمینه‌های مختلفی

که بتواند به تقویت حاکمیت قانون و دموکراسی خدمت کنند.» (بند ۱) پارلمان اروپا در بندهای بعدی قطعنامه عمدتاً بر حقوق بشر تأکید کرده است.

در این رابطه پارلمان اروپا با نگاهی مثبت به «علاقه‌ی مردم ایران و نمایندگان آنان نسبت به اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، که آن را به طور دموکراتیک با شرکت در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و شوراهای شهری، به خوبی نشان داده‌اند» (بند ۶). و اعلام حمایت از این روند، پیش‌قدم شدن ایران در حل مسأله‌ی حقوق بشر را در چشم‌انداز عادی سازی روابط بین این کشور و اتحادیه‌ی اروپا گامی مثبت ارزیابی کرده و در عین حال انتظار پارلمان اروپا از ایران نادیده گرفته نشدن حقوق افراد در محاکمات جنایی و همچنین حقوق اقلیت‌ها در ادامه‌ی آن را مورد تأکید قرار می‌دهد و آرزوی خود را بهبود اوضاع و رعایت موازین بین‌المللی از سوی ایران نسبت به برگزاری دادگاه‌های عادلانه و عدم استفاده از شکنجه، مجازات مرگ و ... آزادی آیین‌ها و ادیان و محدود نشدن آنها اعلام می‌کند (بند ۷). در ادامه‌ی مسئله‌ی حقوق بشر، پارلمان اروپا در بند ۱۸ قطعنامه با درخواست اجازه برای تحقیق بی‌طرفانه‌ی کمیسیون حقوق بشر اسلامی در موارد ذکر شده در بند ۷، «انتظار تحقق وعده‌های ایران در زمینه‌های مطبوعات و اصلاح سیستم قضایی و جایگزینی یک سیستم پیش‌بینی شده و مدون» را مطرح می‌سازد، (بند ۱۹) و در بند ۲۰ با تأکید بر «تعمیق بخشیدن به تشکیلات و ساختار دموکراتیک و داشتن یک جامعه با جو دموکراتیک و فضای باز سیاسی، نیروهای اصلاح طلب مجلس و جامعه را به ادامه‌ی راه خواسته‌های قانونی و مردمی که به آنان رأی داده‌اند» تشویق کرده است. (European Parliament Resolution about Eu and IR

Relations,2002, <http://www.europarl.europa.eu/news/en>)

۲- قطعنامه‌ی پارلمان اروپا مورخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۴

این قطعنامه با ۱۰۴ رأی موافق، دو مخالف و پنج غایب در روز ۱۳ ژانویه سال ۲۰۰۴ از سوی اعضای پارلمان اروپا به تصویب رسید. صدور این قطعنامه در حالی صورت گرفت که در چند هفته قبل از آن با اوج گرفتن ادعاهای مرتبط با پرونده‌ی وبلاگ‌نویسان و همچنین احضار خانم شیرین عبادی به دادگاه انقلاب و موضع‌گیری وزارت امور خارجه‌ی آمریکا در این خصوص، موضوع حقوق بشر و استفاده‌ی ابزاری از آن جهت اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی ایران ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته بود.

(<http://www.europarl.europa.eu/committees/en/iran+human+rights/13/1/2004>)

۳- بیانیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در مورد نقض حقوق بشر در ایران مورخ ۲۰ ژوئن سال ۲۰۰۴ روز ۲۰ ژوئن سال ۲۰۰۴، اتحادیه‌ی اروپا از ایران به خاطر ادامه‌ی نقض حقوق بشر انتقاد کرد. در بیانیه‌ی ای که از سوی ریاست شورای اتحادیه‌ی اروپا منتشر شد، آمده است که «اتحادیه‌ی اروپا به شدت نسبت به تداوم و شمار بسیار زیاد موارد نقض حقوق بشر در ایران احساس نگرانی می‌کند.» در این بیانیه، که توسط سفارت ایرلند در تهران منتشر شد، گفته شده است که به ویژه تبعیض علیه زنان، اعمال شکنجه و «فرهنگ بی‌مجازات ماندن عاملان نقض حقوق بشر» نکوهش پذیر می‌باشد. بیانیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا همچنین از به کارگیری مجازات اعدام در ایران انتقاد نموده و ادعا کرده که در ایران حق آزادی عقیده و بیان از روزنامه‌نگاران و دیگر منتقدان دولت گرفته شده است. (http://europa.eu/eu-life/index_en.htm/20/6/2004)

۴- بیانیه‌ی پارلمان اروپا مورخ ۲۵ مارس سال ۲۰۰۴

صدور بیانیه‌ی پارلمان اروپا در تاریخ ۲۵ مارس سال ۲۰۰۴ در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران، روابط دو طرف را تیره ساخت. اتحادیه‌ی اروپا در این بیانیه، گفت‌وگو با ایران را منوط به اصلاح وضع حقوق بشر دانست. مهم‌ترین موضوعات و اختلافات؛ بسته‌شدن مطبوعات، نوع بازداشت‌ها و موضوع زهرا کاظمی بود. پارلمان کانادا در این رابطه با صدور بیانیه‌ی بر انتقاد از وضعیت حقوق بشر در ایران پرداخت و اتحادیه‌ی اروپا نیز از موضع دولت کانادا حمایت کرد (میناوند، ۱۳۸۵: ۹۰).

۵- اعلامیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در مورد بازداشت‌های صورت گرفته در ایران مورخ ۲۴ نوامبر سال ۲۰۰۴ سفارت هلند در تهران در تاریخ ۲۴ نوامبر سال ۲۰۰۴ به عنوان دفتر نمایندگی دولتی که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده داشت، بیانیه‌ی اعتراض آمیز از جانب این اتحادیه به وزارت امور خارجه‌ی ایران تسلیم نمود.

در این بیانیه نسبت به بازداشت شماری از روزنامه‌نگاران، دست‌اندرکاران سایت‌های اینترنتی، فعالان تشکل‌های مستقل فعال در زمینه‌های امور اجتماعی و حقوق بشر و پیروان اقلیت‌های مذهبی در ایران و آنچه «ارعاب» این افراد خوانده شد، اعتراض شده است. در این بیانیه آمده است که در ایران اماکن مقدس بهائیان تخریب شده و پیروان بهائیت مورد تبعیض قرار می‌گیرند. جلوگیری از تحصیل بهائیان در دانشگاه بارزترین نوع تبعیض نسبت به آنان قلمداد شده است. در پایان، توجه دولت ایران به ابزار نگرانی اخیر پارلمان اروپا نسبت به وضعیت حقوق بشر جلب شده است. (http://europa.eu/eu-life/index_en.htm/24/11/2004)

۶- بیانیه اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی وضع آزادی بیان در ایران مورخ ۲۳ نوامبر سال ۲۰۰۵
سفارت انگلستان در تهران به عنوان دفتر نمایندگی رئیس دوره‌ای اتحادیه‌ی اروپا در ایران در روز ۲۳ نوامبر سال ۲۰۰۵ بیانیه‌ای منتشر نمود و در آن، از آنچه نقض آزادی بیان و حق برگزاری تجمعات اعتراضی در آرامش در ایران دانست، ابراز نگرانی کرد. این بیانیه با اشاره به اصل نوزدهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت ایران را، که امضاء کننده‌ی این میثاق است، از تفتیش عقاید شهروندان و نقض آزادی بیان آنان منع کرده و از مواردی همچون پرونده‌های حبس اکبر گنجی روزنامه‌نگار و عبدالفتاح سلطانی به عنوان شواهدی دال بر سرپیچی ایران از این میثاق یاد کرد (http://europa.eu/eu-life/index_en.htm/23/11/2005).

۷- گزارش سالانه اتحادیه‌ی اروپا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران مورخ ۱۳ دسامبر سال ۲۰۰۵
وزیر امور خارجه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در گزارش سالانه‌ی خود درباره‌ی وضعیت حقوق بشر در دنیا در ۱۳ دسامبر سال ۲۰۰۵ اعلام کردند که اگر حکومت ایران خواهان روابط بهتری با اروپا است باید حقوق بشر را رعایت کند. آنها زمانی این موضع‌گیری را اعلام کردند که هفته‌ی پیش از آن در اقدام دیگری اظهارات ضد اسرائیلی دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری ایران را محکوم نموده بودند. وزرای امور خارجه‌ی اتحادیه‌ی اروپا از اینکه ایران در سال جاری «با وجود درخواست‌های مکرر و مجذانه اتحادیه اروپا» گفت‌وگو بر سر موضوع حقوق بشر را متوقف نموده بود، ابراز تأسف کردند.
این گزارش تأکید می‌کند که اتحادیه‌ی اروپا آماده است در مورد حقوق بشر با ایران به بحث بپردازد و افزوده است که در غیر این صورت از قطعنامه‌ی سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران پشتیبانی خواهد کرد (http://europa.eu/eu-life/index_en.htm/14/12/2005).

۸- بیانیه اتحادیه‌ی اروپا نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران مورخ ۲۰ دسامبر سال ۲۰۰۵
اتحادیه‌ی اروپا در بیانیه‌ی دیگری، که آن را در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۵ صادر نمود، از اینکه وضعیت حقوق بشر طی سال‌های اخیر در ایران نه تنها بهبود چشمگیری پیدا نکرده بلکه از بسیاری جهات بدتر هم شده، ابراز نگرانی عمیق کرد و بار دیگر از دولت ایران درخواست نمود تا اگر به دنبال پیشبرد روابط خود با اتحادیه‌ی اروپا است حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را رعایت کند.
در اعلامیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا آمده است که این اتحادیه طی یکسال گذشته تلاش‌های زیادی کرده است تا دور پنجم گفت‌وگوهای خود با ایران را در مورد وضعیت حقوق بشر

آغاز کند. در ادامه اشاره شده است که این مذاکرات از سه سال پیش آغاز گردیده، ولی دولت جمهوری اسلامی ایران حاضر به ادامه‌ی گفت‌وگوها نشده است.

این اعلامیه در واقع تأکید دوباره‌ای است بر بیانیه‌ی دیگری که کمیسیون روابط خارجی اتحادیه‌ی اروپا، هشت روز پیش از این اعلامیه (۱۲ دسامبر ۲۰۰۵) در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران صادر کرده بود. اجرای پی‌درپی مجازات اعدام، حتی برای جرائمی که اتحادیه‌ی اروپا آنها را سبک شمرده، به ویژه اجرای این اعدام‌ها در ملاء عام، نخستین نکته‌ای است که این اتحادیه به عنوان مصداق نامناسب بودن وضعیت حقوق بشر در ایران بر شمرده است.

اتحادیه‌ی اروپا در اعلامیه‌ی خود برای گفت‌وگو با ایران در مورد حقوق بشر اعلام آمادگی و تأکید کرده که این اتحادیه علاوه بر راه‌های دیپلماتیک و استفاده از سازوکارهای سازمان ملل متحد، از طریق بالا بردن آگاهی عمومی نیز به مطرح کردن نگرانی‌های خود در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران ادامه خواهد داد (http://europa.eu/eu-life/index_en.htm/21/12/2005).

۹- قطعنامه‌ی پارلمان اتحادیه‌ی اروپا در مورد وضعیت حقوق بشر ایران مورخ ۱۶ نوامبر سال ۲۰۰۶

در این قطعنامه در موارد زیر از جمهوری اسلامی ایران انتقاد شده است:

- * در مورد مجازات اعدام؛ اعمال این مجازات به‌ویژه در مورد افراد کم سن و سال را محکوم کرده و مدعی شده آمارها و گزارش‌ها حاکی از آن هستند که همچنان افراد زیر ۱۸ سال در ایران اعدام می‌شوند.
- * در زمینه‌ی حقوق اقلیت‌ها؛ به اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد تدریس زبان‌های قومی، مواردی همچون توهین یک روزنامه‌ی دولتی به آذری زبان‌ها، تبعیض نسبت به گُردها و صدور حکم اعدام برای بمب‌گذاران اهوازی به عنوان مصادیق نقض حقوق بشر در ایران اشاره شده است.
- * در زمینه‌ی آزادی مذهب؛ از تبعیض مذهبی و سرکوب پیروان اقلیت‌ها، که مذهب آنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نشده از جمله فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیان و اهل تصوف، سخن به میان آمده است.
- * در زمینه‌ی آزادی مطبوعات؛ به بازداشت روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان، مسدود کردن سایت‌های اینترنتی، ممنوع‌الخروج کردن برخی از روزنامه‌نگاران و جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره اشاره شده است.

* در زمینه‌ی حقوق زنان؛ از ایران خواسته شده که به عضویت کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان درآید (خرازی، ۱۳۸۵: ۳-۴).

۱۰- بیانیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی حقوق بشر در ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۹

در این بیانیه بازداشت‌های انجام شده در ناآرامی‌های پس از انتخابات و ادامه بازداشت شماری از روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و سیاسیون محکوم شده است و اتحادیه‌ی اروپا "با پافشاری" از مقامات ایرانی می‌خواهد روزنامه‌نگاران و افرادی را که برای جرم‌های سیاسی در بازداشت هستند آزاد کند. در بخش دیگری از بیانیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا، از دادگاه‌های گروهی ابراز نگرانی شده و آمده است که رویه‌ی این دادگاه‌ها و حکم‌های آن با استانداردهای بین‌المللی سازگار نیست (http://europa.eu/eu-life/index_en.htm/27/10/2009).

۱۱- بیانیه‌ی پارلمان اروپا در مورد تحریم علیه ایران به خاطر نقض حقوق بشر، ۲ فوریه ۲۰۱۱
اعضای پارلمان اروپا در این بیانیه اعلام کردند که؛ وقت آن رسیده راهبرد جدیدی در مورد ایران که فراتر از برنامه هسته‌ای است و حفظ حقوق بشر در جمهوری اسلامی را به دنبال دارد، تدوین شود. اعضای پارلمان اروپا در این بیانیه «کاترین اشتون» مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا را موظف به وضع تحریم‌ها علیه مقامات ایرانی مسئول در برابر نقض شدید حقوق بشر کردند. این تحریم‌ها شامل مسدود شدن دارایی‌های مأموران دولتی ایران در اروپا و منع صدور روادید برای آنها است (http://europa.eu/eu-life/index_en.htm/2/2/2011).

۱۲- بیانیه‌ی کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا در مورد لغو حکم اعدام مدیران سایت‌های مستهجن، ۱ فوریه ۲۰۱۲

در این بیانیه «کاترین اشتون» مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا از دولت ایران خواست حکم اعدام افرادی را که به راه‌اندازی و مدیریت سایت‌های مستهجن اقدام کرده‌اند، لغو کند. خانم اشتون همچنین تأکید نمود که آزادی بیان یکی از انواع حقوق اساسی و اولیه‌ی بشر است و ایران نیز تعهد بین‌المللی برای پاسداشت این حق دارد. وی همچنین از ادامه‌ی سانسور و ایجاد محدودیت در دسترسی به اینترنت به شدت ابراز نگرانی کرد (<http://www.hra-news.org/1-11250/00/51.html>).

پس از قطع گفتگوهای سازنده در سال ۲۰۰۴، تاکنون ایران و اتحادیه‌ی اروپا غیر از برخی ابتکارات دوجانبه مانند فراهم آوردن مقدمات گفتگوهای حقوق بشری با دانمارک (که اواخر سال ۲۰۱۰ در حال اجرا بود)، گفتگو یا تعامل مستقیمی در خصوص موضوع حقوق بشر با یکدیگر نداشته‌اند. در این مدت نهادهای مختلف اروپایی به صدور قطعنامه و بیانیه علیه ایران ادامه داده و در همان حال نیز تمایل خود را برای از سرگیری گفتگوهای حقوق بشری اعلام نموده‌اند. این تمایل به شکل روشنی در گزارش سالهای ۲۰۰۹، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ پارلمان اروپایی ذکر شده است (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰: ۷۶).

جمهوری اسلامی ایران رفتار اتحادیه‌ی اروپا را در مسأله‌ی حقوق بشر، صرفاً رفتاری سیاست‌زده، متناقض و فرصت‌طلبانه می‌داند. ایران از زمان روی کار آمدن دولت نهم، سیاستی نسبتاً فعال، تهاجمی و منتقدانه در حوزه‌ی حقوق بشر اتخاذ نمود. احضار سفرای اروپایی جهت ارائه‌ی توضیح در خصوص موارد نقض حقوق بشر در این کشورها، انتشار گزارش و انتقاد از نقض حقوق بشر در اتحادیه‌ی اروپایی از مواردی است که در جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

آنچه از مطالعه‌ی نگرش نظام اروپایی حمایت از حقوق بشر و قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران به روشنی قابل درک می‌باشد، این است که دو نظام حقوقی مذکور از حیث مبانی فکری - ارزشی و نیز از حیث مواد قانونی تفاوت‌هایی را دارا هستند. اعضای اتحادیه‌ی اروپا بدون توجه به اصول یاد شده در صدد تحمیل خواسته‌های حقوق بشری خود به ایران هستند. این در حالی است که، جمهوری اسلامی ایران هیچ تردیدی در رعایت اصول و مبانی حقوق بشر ندارد. هم اسلام و هم قانون اساسی حکومت را موظف کرده‌اند که حقوق انسانها را محترم شمرده و رعایت کنند. لیکن برخی مجازات‌های قانونی و نیز قوانین «حدی» و «تعزیری» مواردی است که شرع مقدس آنها را برای حفظ نظم و آرامش جامعه ایجاد کرده است. بیشترین نکات چالش برانگیز به عدم درک اتحادیه‌ی اروپایی از ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حقوق بشر بازمی‌گردد. مطابق قوانین اسلامی: کسی که مرتکب قتل شده باید قصاص و اعدام شود، شخصی که مرتکب عمل زنا شده است باید سنگسار گردد، فردی که مرتکب دزدی شده است در شرایطی ممکن است عضوی از بدن

خویش را از دست بدهد، فردی که مرتکب کار حرام نظیر مشروب خواری شده است باید حدّ الهی بر او جاری شود. موارد مذکور از جمله انتقاداتی هستند که در بسیاری از بیانیه‌ها و قطعنامه‌های اتحادیه‌ی اروپایی علیه وضعیت حقوق بشر در ایران تکرار شده‌اند. این در حالی است که اتحادیه‌ی اروپا باید به تفاوت‌های فرهنگی، هویتی، مذهبی، سنی، تاریخی و حتی ایدئولوژیک توجه کافی را داشته باشد و این نکته‌ی مهم را مورد توجه قرار دهد.

غیر از استثنائاتی خاص از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون، اتحادیه‌ی اروپا همواره موتور محرکه‌ی تهیه‌ی پیش‌نویس، گردآوری امضا و بسیج کلیه‌ی امکانات جهت تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر و از سال ۲۰۰۶ به این سو در تمامی اجلاس‌های شورای حقوق بشر بوده است. این رویکرد بویژه در قطعنامه‌ی ۲۲ مارس (۳ فروردین ۱۳۹۱) اجلاس شورای حقوق بشر با حمایت از گزارش جهت‌دار نماینده‌ی ویژه‌ی این شورا ادامه داشته است.

اعضای اتحادیه‌ی اروپا در مورد حقوق بشر رعایت انصاف و بی‌طرفی را نداشته‌اند، ضمن اینکه اعضای آن خودشان متهم به سکوت در مقابل نقض حقوق بشر و نیز عدم رعایت حق آزادی بیان هستند. اوضاع حقوق بشری در فلسطین اشغالی بسیار وخیم است و جنایات رژیم اشغالگر قدس بر هیچ‌کس پوشیده نیست. این در حالی است که اتحادیه‌ی اروپا چشمان خویش را بر این واقعیت بسته است و از طرف دیگر در بسیاری از کشورهای عضو این اتحادیه، اجازه‌ی اظهارنظر در خصوص مسائلی نظیر هولوکاست داده نمی‌شود و هر کسی در این رابطه اظهار نظر نماید مورد مجازات قرار می‌گیرد که این امر مصداق بارز نقض آزادی بیان در اتحادیه محسوب می‌شود. ضمن اینکه نباید از زندان‌های مخفی آمریکا در برخی از اعضای اتحادیه‌ی اروپا (که برای شکنجه افراد به اصطلاح مظنون به تروریسم با همکاری اروپاییان تشکیل شده) غافل بود. لذا به نظر می‌رسد ابزار حقوق بشر بیشتر برای مصارف سیاسی مورد استفاده‌ی اتحادیه‌ی اروپایی قرار می‌گیرد. آنها تلاش می‌کنند تا از این طریق منافع ویژه‌ی خود را در امور جهانی پی‌گیری کنند. در این رابطه، انتشار بیانیه‌های حقوق بشری از سوی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نقض حقوق بشر در اروپا می‌تواند به‌مثابه مقابله به‌مثل در برابر اعضای این اتحادیه باشد و به فعال‌تر شدن دیپلماسی کشور کمک نماید.

منابع

فارسی

- اسکندریان، مهدی (۱۳۸۳)، «ایران و اتحادیه‌ی اروپایی: فصلی نوین در روابط»، گزیده‌ی تحولات جهان، مؤسسه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی ابرار معاصر تهران، شماره ۵.
- پارسا، علیرضا (۱۳۸۰)، «رویارویی جهان‌گرایی و نسبیّت‌گرایی فرهنگی: چالش پایدار حقوق بشر»، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۶۶ - ۱۶۵، خرداد و تیر.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۲)، ایران و اروپا؛ از گفتگوی انتقادی تا گفتگوی مشروط، کتاب اتحادیه‌ی اروپا (۲) ویژه‌ی روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا، تهران، مؤسسه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی ابرار معاصر تهران.
- خبیری، کابک (۱۳۸۳)، «آینده‌ی تعاملات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‌ی اروپا»، گاهنامه‌ی برداشت اول، شماره‌ی ۷، سال دوم.
- خرازی، فردین (۱۳۸۵)، «تحلیلی بر قطعنامه‌ی اخیر پارلمان اروپا در مورد وضع حقوق بشر ایران»، گزارش راهبردی معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۸۹، دی‌ماه.
- دانش‌یزدی، مهدی و دیگران، (۲۰۰۳)، گفتمان ایران و اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی حقوق بشر، ترجمه‌ی مینا سینیور، دانمارک، ۱۶ و ۱۷ دسامبر، به نقل از: محمودرضا گلشن‌پژوه ۱۳۸۶.
- دهقانی، رضا، (۱۳۸۲)، نگاهی به نظام اروپایی حقوق بشر، کتاب اتحادیه‌ی اروپا (۲) ویژه‌ی روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا، تهران، مؤسسه‌ی تحقیقاتی و مطالعاتی بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- سادات‌اخوی، سیدعلی و حسینی‌اکبرنژاد، حوریه (۱۳۸۸)، «اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه‌ی قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه‌ی حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی ۳۹، شماره‌ی ۴، زمستان.
- شریفیان، جمشید، (۱۳۸۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- صفایی، سهیلا (۱۳۷۹)، «روند جهانی شدن در بستر حقوق بشر و چالش‌های آن»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، دوره‌ی ۳، شماره‌ی دوم، تابستان، سال چهاردهم.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج‌دانش.

- عباسی، مجید(۱۳۸۳)، «نظام‌ها و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه‌ی تخصصی علوم سیاسی، پیش‌شماره‌ی دوم، تابستان.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا(۱۳۸۶)، «نگاهی به سیاست‌های کلی اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی حقوق بشر»، پژوهشنامه حقوق بشر، شماره اول، تابستان.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا(۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش‌ها، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- گلشن‌پژوه، محمود رضا،(۱۳۹۰)، حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران، کتاب اروپا ۱۰ ویژه‌ی روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- عبدخدایی، مجتبی(۱۳۸۹)، «مسأله‌ی حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپایی»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، شماره‌ی ۲، تابستان، سال ۲۴.
- موسویان، سیدحسین،(۱۳۸۵)، چالش‌های روابط ایران و غرب، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مهرپور، حسین،(۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
- میناوند، محمدقلی،(۱۳۸۵)، ایران و اتحادیه‌ی اروپا؛ کنکاشی در سیاست‌گذاری‌ها، تهران، مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
- یاری، بهروز،(۱۳۸۲)، اتحادیه‌ی اروپا و جمهوری اسلامی ایران: چالش حقوق بشر، کتاب اتحادیه‌ی اروپا(۲) ویژه‌ی روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.

انگلیسی

- De pas, Van(2002), *Confrontation and Reconciliation: I.R of Iran Foreign Policy toward Western Europe 1990 – 2000*, M. A Thesis; Amsterdam University.
- Donnelly, Jack(1992), *Human Rights in the new World Order*, World Policy Journal, Spring.
- Declaration Concerning Human Rights,(1996), *European Bulletin*, Luxemburg, 28 / 29 June.
- European Parliament Resolution about Eu and IR Relations,(2002) January. Available in: <http://www.europarl.europa.eu/news/en>

- *Eu – Iran Human Rights Dialouge*, The Danish Institute for Human Rights, (2006), Available in: <http://www.Humanrights.dk / Departments / Director / Iraneu>.
- <http://www.Europe.eu.int / Comm / External – Relations / Human – Rights / Resolutions / 28 / November / 2004 / intro>.
- http://www.ec.europa.eu/external_relations/Iran/intro/index.htm / 12 / December / 2005.
- <http://www.europarl.europa.eu/committees/en/gsearch.html>
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /20/6/2004
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /24/11/2004
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /23/11/2005
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /14/12/2005
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /21/12/2005
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /30/8/2007
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /27/10/2009
- http://europa.eu/eu-life/index_en.htm /2/2/2011
- <http://www.hra-news.org/1-11250/00/51.html>
- law, John (1993) "Indyk lays out the Clinton Approach", Middle East International, No. 11, June.
- Martinez, Belen (2004) *Eu Policy towards Iran; Iran and it's Neighbors*, SWP – Berlin, March.
- Promotion of Human Rights and Democratization in the European Union's External Relation; Available in: <http://www.ec.Europa.eu/comm. / External – Relations / Human Rights / intro / index.htm>
- Report of European Commission to the European Council and European Parliament, (2001)7 February, Available in: http://europa.eu/index_en.htm
- Simon, Serfaty (1998), "Bridging the Gulf Across the Atlantic: Europe and United States in the Persian Gulf ", The Middle East Journal, Vol. 52, No. 3, Summer.